

نویدهای قرآنی به فرجام خوش تاریخ

رضا وطن دوست^۱

چکیده

بحث از تاریخ، جنبه‌های مختلفی دارد که هر کدام می‌تواند موضوع مقاله یا کتاب مستقلی قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین این جنبه‌ها، فرجام تاریخ است که برخی آن را تاریخ و بدفرجام می‌دانند و برخی روشن و نویدبخش می‌خوانند. با توجه به اینکه اظهار نظر از آینده تاریخ، نوعی آینده‌گویی است و آینده‌گویی تنها از معمار هستی و پیامبران الهی ساخته است و بس، ما در این جستار بدون توجه به ایده دیگران، آیات قرآن را ملاک قرار می‌دهیم و آینده تاریخ را تنها از نظرگاه این کتاب آسمانی تحلیل و تفسیر می‌کنیم و در ادامه با نویدهای قرآنی به فرجام خوش تاریخ و آینده بشر آشنا خواهیم شد و سرانجام با ذکر جلوه‌ای از خوش فرجامی تاریخ، این مقاله را به پایان می‌بریم.

واژه‌های کلیدی: قرآن، نویدها، فرجام تاریخ، آینده بشر، عصر فرج.

طرح مسئله

در این باره که آیا آینده بشر، فرجامی خوش دارد یا سرانجامی غم‌بار، ایده‌هایی بسیار و متفاوت وجود دارد که می‌توان تمام آن‌ها را در دو انگاره «بدرجامی تاریخ و خوش فرجامی آن» خلاصه کرد. این انگاره که آینده تاریخ را تاریک می‌بیند در توجیه بدرجامی تاریخ، گاه اصل هستی را تلخ و ناخوش صورت می‌داند، و گاه خود انسان را موجودی بدسرشت و هنجارناپذیر می‌خواند. اما در مقابل این انگاره، این عقیده نیز وجود دارد که هم فرجام حیات را خوش و دلپذیر می‌داند، و هم آینده بشر را روشن و امیدبخش می‌خواند.

طرفداران این عقیده که به آینده بشر خوش بین‌اند، معتقدند آینده بشر به روزگاری ختم می‌شود که مردی از تبار خوبان، آشکار می‌گردد و زندگانی را به فرجامی خوش، نوید می‌دهد. او روزگاری روشن و امیدبخش فراهم می‌آورد و همگان در جای جای جهان، سیمای زیبای عدالت را به تماشا خواهند نشست.

ما در این مجال در صدد قبول یا نقد انگاره‌های مثبت و منفی نیستیم، بلکه تنها به کلام معمار هستی در کتاب آسمانی قرآن مراجعه می‌کنیم و تنها آن را معیار می‌دانیم؛ زیرا عقیده به خوش فرجامی تاریخ یا بدرجامی آن، نوعی آینده‌گویی در آینده‌های بسیار دور است که تنها از خدا و پیامبران او ساخته است و بس.

۱- نویدهای قرآنی از آینده تاریخ

قرآن در پاسخ به این سؤال که آیا آینده جهان و سرنوشت بشر روشن است یا تاریک، آینده تاریخ را نویدبخش معرفی کرده است. از منظر این کتاب آسمانی، نه رنج و اندوه انسان ابدی است، و نه بندگی و اسارت انسان همیشگی، بلکه طبق سُنن الهی هر آنچه مایه رنج و درد است و اسارت و بندگی انسان را به ارمغان می‌آورد، محکوم به فناست و هر آنچه سود و آسایش بندگان شایسته خدا را در پی دارد، درخشنده و پایدار خواهد ماند. ملاحظه آیاتی از قرآن که کاروان بزرگ آدمی را به آینده‌ای خوش و فرجامی دلپذیر نوید می‌دهد، این ادعا را ظاهر می‌کند.

۱-۱- حاکمیت توحید گرایان

۱۴۱

هر چند ممکن است توحید گرایان در جدال میان توحید و مرام بی دینی در اقلیت و فشار قرار گیرند و در گذر تاریخ، دچار نوعی ناکامی شوند و حاکمیت را به طرفداران باطل وانهند، ولی این سنت محتوم و وعده قطعی خداست که در آخرین برخورد و پیکار میان این دو گرایش، پیروزی با خداجویان و طرفداران حق است. این پیش بینی قرآن کریم است که در اشاره به فرجام خوش تاریخ، پیروزی جبهه توحید در ستیز با جبهه باطل را نوید داده، می فرماید:

﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ؛ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ؛ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾؛ (صافات، ۱۷۱-۱۷۳) به راستی که اراده ما بر پیروزی فرستادگان ما تعلق گرفته است، حقا که آنان یاری شدگان اند و فتح و ظفر برای سربازان ماست. قرآن در جای دیگر با تصریح بر نصرت رسولان الهی و کسانی که به آنها ایمان آورده اند، فرمود:

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالدِّينَ ءَأَمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾؛ (غافر، ۵۰) ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم. از پیامبر رحمت نقل است که فرمود:

«لَا يَبْقَى عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ بَيْتٌ مَدْرٍ وَلَا وَبَرٍ إِلَّا أَدَخَلَهُ اللَّهُ كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ بَعِزٌّ عَزِيزٌ أَوْ ذُلٌّ ذَلِيلٌ»؛ (بیهقی: ۱۸۱/۹؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق: ۵۳۰/۴) هیچ خانه گلین یا چادر موینی در روی زمین باقی نخواهد ماند، مگر اینکه خداوند اسلام و یکتاپرستی را با عزت حق طلبان یا با خواری حق ستیزان در آن وارد خواهد کرد.

۱-۲- گسترش آیین حق پرستی

تاریخ بشر نشان داده است که همواره جبهه حق و باطل در تقابل یکدیگر ادامه حیات داده و در هر زمانی یکی بر دیگری پیروز می شود، ولی قرآن کریم در مواردی

چند، از پیروزی جبهه حق بر باطل، و برقراری آیین یکتاپرستی و گسترش آن در جهان، خبر داده، می‌فرماید:

﴿وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾؛ (انفال، ۷ و ۸) خداوند می‌خواهد حق را با کلمات خود تقویت، و ریشه کفر و کافران را قطع کند تا حق تثبیت شود و باطل از میان برود، هر چند که مجرمان را خوش نیاید.

قرآن کریم در جای دیگر، ضمن تأکید بر هدفمندی حرکت تاریخ و رد پندار پوچی آفرینش، باطل را محکوم به نابودی معرفی کرده، می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ... بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ﴾؛ (انبیاء، ۱۶-۱۸) و ما آسمان و زمین را و آنچه میان آن دو پدید آمده است، بیهوده نیافریدیم...، بلکه حق را بر سر باطل می‌کوبیم، پس آن را درهم می‌شکند و باطل، نابودشدنی است.

خداوند سبحان جریان حق و باطل را در قالب مثالی زیبا و گویا به آب و ناخالصی‌های روی آن تشبیه کرده است. یعنی همان‌طور که کف و ناخالصی‌ها چند صباحی بر دوش آب سوار می‌شود و با حرکت آب جولان می‌دهد و سرانجام نابود می‌شود، باطل نیز گاهی بر دوش حق سوار می‌شود و از حرکت و جهش آن استفاده می‌کند و چند صباحی خودی نشان می‌دهد، غافل از اینکه عمرش کوتاه و همچون کف روی آب ناپایدار و محکوم به اضمحلال و نابودی است. قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهٗ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾؛ (رعد، ۱۷) خدا از آسمان آبی به‌صورت باران فرو فرستاد، آنگاه رودخانه‌هایی به اندازه گنجایش خود روان شدند و سیلاب، کفی برآمده بر روی خود برداشت، و از آنچه

برای به دست آوردن زیور یا کالایی در شعله‌های آتش می‌گدازند نیز ناخالصی و کفی بسان آن برمی‌آید. خدا حق و باطل را این‌گونه مثال می‌زند؛ اما کف به کناری پرتاب می‌گردد و از میان می‌رود، و اما آنچه به مردم سود می‌رساند، در زمین می‌ماند. خدا برای راهیابی مردم مثال‌ها را این‌گونه می‌زند.

۱-۳- سنت وراثت زمین به صالحان

این حقیقت مسلم است که از سپیده‌دمان تاریخ، نزاع و نبرد همواره میان حق‌طلبان و حق‌ستیزان برقرار بوده و پیروزی میان آنان دست‌به‌دست گشته و می‌گردد: ﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاوَلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾. (آل عمران، ۱۴۰)

با آنکه گذشته بشر، شاهد این مبادله بوده است، اما قرآن در نگرش تاریخی‌اش در مورد آینده جهان و سرنوشت انسان بر این واقعیت شیرین گواهی می‌دهد که سرانجام، رنج‌ها و مرارت‌ها پایان می‌پذیرد و جهان از لوث ستمکاران پاک خواهد شد؛ زیرا سنت الهی بر این تعلق گرفته است که سرانجام، تنها این بندگان شایسته خدایند که وارثان زمین و زمان خواهند شد. این بشارت را از قرآن بشنویم که فرمود:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ (انبیاء، ۱۰۵)
ما در کتاب آسمانی زبور پس از ذکر، مرقوم داشتیم که بندگان شایسته کردار ما در آینده زمین را به ارث خواهند برد.

قرآن در جای دیگر بر صالحان ستم کشیده منت نهاده و به وراثت زمین مژده داده، می‌فرماید:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛ (قصص، ۵)
ما می‌خواهیم بر کسانی که در زمین بر اثر فریب و سرکوب فرودست شده‌اند، منت نهیم و آنان را پیشوایان مردم گردانیم و وارثان زمین قرارشان دهیم.

۱-۴- آینده در قلمرو تقوایندگان

سرانجام پیروزمندانه تاریخ و آینده شکوهمندانه جهان در قرآن، چنین جلوه گر شده است که فرجام خوش تاریخ تنها از آن تقوایندگان است که پس از صبر و پایداری نصیبشان خواهد شد، چنان که فرمود:

﴿اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛ (اعراف، ۱۲۸) از خداوند یاری بجوید و پایداری پیشه سازید که زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد وامی نهد و سرانجام نیک از آن تقوایندگان است.

قرآن در جای دیگر فرمود:

﴿تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوْحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛ (هود، ۴۹) این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می کنیم. پیش از این، نه تو آن را می دانستی و نه قوم تو، پس شکبیا باش که فرجام نیک از آن پروایندگان است.

۱-۵- گسترش شریعت اسلام در جهان

تاریخ پرماجرای انسان، نشانگر آن است که از گاه نخست آفرینش انسان و تشکیل نخستین جامعه بشری تاکنون، برخورد باورها و اندیشه‌ها جزء گسست‌ناپذیر زندگی جوامع بشری و تمدن‌ها بوده و هست. در این برخوردهای سهمگین، هر چند در مقاطعی از تاریخ، برخی ستمگران با زور و تزویر در برابر دین اسلام جولانی داشته‌اند، اما قرآن در نگرش تاریخی خود نویدگر آن است که دین مبین اسلام در گفتمان باورها و گفت‌وشنود تمدن‌ها، پیروز خواهد شد، هر چند که تبهکاران آن را نخواهند، و همچون شب پره از درخشش انوار خورشید عالم تاب اسلام ممانعت کنند. قرآن در این نویدگری می‌فرماید:

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛ (توبه، ۳۲) آنان می‌خواهند نور خدا را با سخنان و دهان‌های خویش خاموش سازند، اما خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را به کمال رساند، گرچه کفر گرایان و حق‌ستیزان را خوش نیاید. او کسی است که پیامبرش را همراه با هدایت و دین درست فرستاد، تا آن دین توحیدی و آزادی‌بخش را بر هر چه دین و آیین و مرام ساختگی است پیروز سازد، گرچه شرک‌گرایان و بیدادگران این حقیقت را خوش نداشته باشند.

۱-۶- گسترش امنیت در جهان

از جمله مصیبت‌های بشر در دنیای کنونی، عدم وجود امنیت یا کم‌رنگ‌بودن در جامعه است. نه در حوزه زندگی فردی و حیثیتی، امنیت کافی وجود دارد، نه در حوزه خانوادگی و اجتماعی امنیت برقرار است و نه افراد در حوزه کار و اشتغال از امنیت لازم برخوردارند. و اگر امنیتی باشد تنها برای حکومت‌ها و زورمندان خود کامه و رسانه‌های انحصاری آنان مطرح است و بس، اما قرآن کریم به برخورداری انسان از امنیت لازم در حوزه‌های مختلف زندگی نوید داده است. قرآن بر این واقعیت تصریح دارد که روزی خواهد آمد، شرارت‌ها و ناامنی‌ها از جامعه رخت برمی‌بندد و جوامع بشری از امنیت واقعی برخوردار خواهند شد. این واقعیت نویدبخش را از قرآن کریم بشنویم که فرمود:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾؛ (نور، ۵۵) خدا به آنان که ایمان آورده و کارهایی شایسته کرده‌اند، وعده داده است که آنان را در این سرزمین، جانشین خود قرار دهد همان‌گونه که پیشینیان را جانشین خود ساخت، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان استقرار بخشد و سپس بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند. آنان مرا

می‌پرستند و چیزی را با من شریک نمی‌گیرند.

همان‌طور که روشن است این آیه از سه جهت به خوش‌فرجامی تاریخ بشر نوید داده است. نخست به مدیریت تقوای پیشگان نوید داده که به‌طور شایسته جامعه بشری را مدیریت خواهند کرد. دوم به توسعه آیین حق‌پرستی و استقرار دین حق در روی زمین نوید داده و سوم نوید به از میان رفتن عوامل خوف و ترس و ابزارهای وحشت و سرانجام برقراری امنیت در گستره گیتی و برخورداری آدمیان از آرامش لازم.

۲- خوش‌فرجامی تاریخ پاسخی به پوچ‌انگاری

اکنون پس از آشنایی با نویدهای قرآن که از سرانجام خوش تاریخ خبر داده است، این سؤال در ذهن آدمی نقش می‌بندد و او را در یافتن پاسخ به این سؤال، به پرس‌وجو وامی‌دارد که آیا تاکنون نویدهای قرآن از سرانجام تاریخ، جامه عمل پوشیده است، وگرنه، کدامین هنگام است که حق با همه تجلیاتش جلوه‌گر خواهد شد و باطل را نابود می‌کند، و کدامین هنگام است که صالحان صلح‌آفرین زعامت و رهبری جوامع بشری را به دست خواهند گرفت و صلح و امنیت را به انسان‌ها هدیه خواهند کرد و انسان‌های تشنه آرامش را از زندگی توأم با صلح و صفا برخوردار خواهند ساخت؟ این معما را که معمایی و حیانی است، تنها با مراجعه به سخنان خاندان وحی و پیشوایان معصوم می‌توان حل کرد. این خاندان که به حق، قرآن ناطق‌اند، عصر ظهور و زمان فرج را زمان تحقق این نویدها دانسته‌اند؛ زیرا در گاه فرج است که دولت‌های باطل افول می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳:ق: ۶۲/۵۱) و یگانه دولت قدسی استقرار می‌یابد، (طبرسی، ۱۴۰۶:ق: ۴۵/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳:ق: ۱۶۵/۲۴-۱۶۶) و بندهای اسارت و فلاکت بشر از هم می‌گسلد، (مجلسی، ۱۴۰۳:ق: ۷۵/۵۱) امنیت، (مجلسی، ۱۴۰۳:ق: ۳۳۵/۵۲) عدالت (نعمانی: ۱۶۵) و صلحی فراگیر زندگی آدمیان را فرامی‌گیرد. (مجلسی، ۱۴۰۳:ق: ۶۸/۵۱ و ۷۰)

عقیده به فرجام خوش تاریخ بر سلسله مبانی و اصولی ویژه مبتنی است که هر کدام پاسخی به باطل گرایی و پوچ‌انگاری در نظام آفرینش است، چراکه عقیده به فرجامی خوش برای بشر هیچ نوع باطل گرایی و پوچ‌انگاری را در نظام آفرینش بر نمی‌تابد. اکنون در ادامه، برخی از این اصول را به اختصار یادآور می‌شویم:

۲-۱- خدامحوری هستی

هرچند برخی انسان‌ها خالقیت خدا را باور دارند و او را به‌عنوان معمار هستی پذیرفته‌اند، لکن با انکار ربوبیت، آفریدگار عالمیان را به منزلهٔ ساعت‌سازی بازنشسته پنداشته‌اند و هستی را پس از آفرینش بی‌آنکه نیازی به گرداننده داشته باشد، خودگردان می‌دانند که به‌صورت مکانیکی به حرکت خود ادامه می‌دهد، اما خوشبختانه نویدهای قرآن به فرجامی خوش، این انگاره را نفی می‌کند؛ زیرا تاریخ در صورتی به سرانجامی خوش می‌رسد که گردش هستی به دست همان آفریدگار توانا صورت پذیرد. با مراجعه به کلام معمار هستی در قرآن کریم، این واقعیت که خدامحوری بر دنیای آفرینش حکم‌فرما است روشن می‌گردد؛ چراکه این کتاب آسمانی، هم خلقت عالم و آدم را از آن او می‌داند: ﴿الْأَلَهَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ﴾، (اعراف، ۵۴) و هم تدبیر و مدیریت جهان و انسان را به او منتسب کرده است: ﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ﴾. (سجده، ۵)

بنابراین، معمار هستی، همان آفریدگار توانایی است که بی‌هیچ درنگی، امور خلق را پس از آفرینش تدبیر می‌کند و لحظه‌ای از افاضه و تدبیر در دنیای آفرینش بازنمی‌ایستد؛ چراکه اگر دمی از افاضه آن باز ایستد هستی از حرکت باز می‌ماند و به یک‌باره نیست خواهد شد.

۲-۲- حاکمیت نظام أحسن

نظام آفرینش امری پیچیده است و در صورتی سامان می‌یابد و به فرجامی خوش

می‌انجامد که از نظمی وسیع و قانونی عمیق برخوردار باشد. از آیات قرآن کریم به دست می‌آید که جهان آفرینش به بهترین صورت ممکن آفریده شده است (سجده، ۷) و از نظمی نیکو برخوردار گشته است؛ (ملک، ۳) زیرا این جهان، مخلوق آفریدگاری است که هم حکیم است و هم فیاض. از آن رو که حکیم است، اتقان صنع (نمل، ۸۸) امری بایسته است، چرا که خلقت ناقص و پر عیب، خلاف حکمت اوست و این، بر حکیم توانا محال است. و از آن جهت که فیاض است اگر خلقت با نیکوترین صورت ممکن سامان نیابد امساک فیض محسوب می‌گردد و امساک فیض از فیاض مطلق، دور و امری ناپسند است.

ناگفته روشن است که خبر قرآن از حاکمیت نظام أحسن در دنیای آفرینش نویدی به فرجام خوش تاریخ بشر است؛ چرا که اگر بی‌نظمی و ناسازگاری بر جهان آفرینش حاکم باشد، معلوم نبود که سرانجام آن به کجا ختم می‌شد.

۲-۳- هدفمندی آفرینش

قرآن کریم دنیای آفرینش و حتی جمادات را شعورمند و برخوردار از نوعی ادراک می‌داند. آن دست از آیات قرآن که از سجده، (سجده، ۴۹ و حج، ۱۸) تسبیح، (اسراء، ۴۴ و حدید، ۱) شهادت، و نطق موجودات (فصلت، ۱۱ و ۲۱) سخن گفته، گواهی بر این ادعاست.

با این باور که تمامی موجودات، به میزان سعه وجودی خود، از نوعی شعور و ادراک برخوردارند، می‌توان نتیجه گرفت که هر موجودی با تبعیت از نظام تدریج در آفرینش، به سوی هدف جمادی، نباتی، حیوانی یا انسانی خود در حرکت است،^۱ و سرانجام به کمال وجودی خود خواهد رسید. منابع اسلامی نیز حاکی از این واقعیت است. کمال علم و معرفت، (قطب الراوندی، ۱۴۱۱ق: ۸۴۱/۲) رشد صنعت و فناوری، (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۳۶/۵۲) توسعه آبادانی، (الحویزی، ۱۴۲۲ق: ۲۱۲/۲؛ مجلسی،

۱. نک: وطن دوست، رضا، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال اول، ش ۱، ص ۱۰۰.

۱۴۰۳ق: ۱۹۲/۵۲) نمونه‌هایی از این واقعیت مسرت‌بخش است. (رشاد، ۱۳۸۳: ۲۴۲-

(۲۴۶)

۲-۴- برخورداری هستی از نظم و قانون

نظام آفرینش امری پیچیده است و در صورتی سامان می‌یابد و به فرجامی خوش می‌انجامد که از نظمی وسیع و قانونی عمیق برخوردار باشد. قرآن با ارائه تصویری روشن از «چگونگی نوشدن زمین»، (نحل، ۵۶ و یس، ۳۳) «پیدایی باغ‌ها و چشمه‌سارها»، (رعد، ۳ و یس، ۳۴) «رویش و باردهی گیاهان»، (نحل، ۱۱) «نظم شبانه‌روز»، (آل عمران، ۱۹۰ و یس، ۴۰) «گردش منظم ماه و خورشید» (یس، ۴۰ و رحمن، ۵) و مانند آن، جریان نظم و قانون را در عالم آفرینش به تصویر کشیده و اعلام داشته است که آفریدگار هستی، هر پدیده‌ای را - چه به لحاظ کمیت و چه به لحاظ کیفیت - به اندازه آفریده است: ﴿قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾. (طلاق، ۳)

۳- فرج، جلوه‌ای از فرجام خوش تاریخ

فرج که در پی عقیده به خوش فرجامی تاریخ رخ خواهد داد، چیزی است که در اندیشه اسلامی فراتر از فلسفه تاریخ است؛ زیرا فلسفه تاریخ از قوانین و مقررات حاکم بر سرگذشت و سرنوشت بشر سخن می‌گوید، اما در فلسفه فرج، نه تنها از تحلیل سرنوشت انسان‌ها که از سرانجام حیات خاکیان و حتی طبیعت بحث می‌شود؛ از این رو آنگاه که از گاه فرج و زیبایی‌های آن سخن به میان می‌آید، سخن از تعامل مسرت‌بخش زمین و آسمان با انسان است. زمین چون مادری مهربان، خاکیان را از نعمت‌های خود برخوردار می‌سازد (ابن طاووس، ۱۳۸۲ق: ۷۱) و با مهربانی تمام، آغوش خویش را بر روی آنان می‌گشاید و بارانی فراوان و سودمند می‌بارد: «يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَلَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِّنْ نَّبَاتِهَا»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۸/۵۱) آسمان بر آنان به صورت انبوه می‌بارد و زمین هیچ چیزی از رویدنی‌های خود را دریغ نمی‌دارد.

و آسمان سخاوتمندانه، اندوخته‌ها و پاره‌های درون خود را در اختیار بشر قرار می‌دهد. در آن زمان است که رودخانه‌ها بالا می‌آیند و آب‌ها فراوان می‌گردد، (مقدسی شافعی، ۱۳۹۹: ۸۴) زمین چند بار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۵/۵۲) و چند برابر محصول می‌دهد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۴/۵۲) و مردم آنچنان غرق نعمت خواهند شد که هرگز مانند آن را ندیده‌اند. (حر عاملی: ۵۲۴/۳)

و نیز در عصر فرج است که علم و دانش به اوج خود می‌رسد و با دانش کنونی که بشر از آن برخوردار است، تفاوت چشم‌گیری خواهد داشت؛ زیرا بر اساس آموزه‌های اسلامی، علم و دانش معادل بیست و هفت حرف است و آنچه بشر پیش از ظهور بدان دست یافته و خواهد یافت تنها معادل دو حرف است، (بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۳۲۴) و بقیه حروف دانشی در عصر فرج نصیب انسان خواهد شد. (طیبی، ۱۳۸۲: ۱۷۸) و از همه مهم‌تر آنکه در عصر فرج، به هر اندازه که انسان به رشد علمی و صنعتی برسد، به همان اندازه به تعالی و کمال انسانی نیز دست خواهد یافت. (تونه‌ای، ۱۳۸۳: ۳۱۵)

و نیز در گاه فرج است که سخن از زندگی مسالمت‌آمیز موجودات و رضایتمندی اهل زمین و آسمان حتی پرندگان در فضا است: «يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلَ الْأَرْضِ وَأَهْلَ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوِّ»؛ در زمان فرمانروایی او اهل زمین و آسمان و پرندگان در فضا خوشنود خواهند بود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۸/۵۱)

و از همه مسرت‌بخش‌تر آنکه در زمان فرج، زمین آنچنان روشن می‌گردد که نیازی به نور خورشید نیست: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ»؛ آنگاه که قائم ما قیام کند زمین در پرتو نور پروردگارش روشن خواهد شد، آن‌سان که بندگان از پرتو نور خورشید بی‌نیاز گردند و تاریکی رخت بر بندد. (مفید: ۳۸۱)

نتیجه‌گیری

از مباحث بسیار مهمی که از دیرباز توجه انسان را به خود معطوف داشته و از دغدغه‌های آدمی محسوب می‌گردد، بدفرجامی یا خوش فرجامی تاریخ و آینده بشر است. هرچند برخی آینده تاریخ انسان و جهان را تاریک معرفی کرده‌اند و آن را به سرنوشتی تلخ محکوم دانسته‌اند، اما به نظر می‌رسد این حرف انگاره‌ای ناصواب و حرفی دور از واقع باشد؛ چراکه پیش‌بینی آینده جهان نوعی آینده‌گویی است و آینده‌گویی، تنها از معمار هستی ساخته است و بس. از این رو بدون اظهار نظر نسبت به صحت و سقم این انگاره، به سراغ قرآن رفتیم که جهان و تاریخ بشر را به آینده‌ای روشن نوید داده و با تعبیر مختلفی این نوید را به گوش همگان رسانده است. اخبار از حاکمیت نظام احسن در دنیای آفرینش و هدفمندی موجودات و نیز بشارت به گسترش آیین حق‌پرستی و گسترش امنیت در جهان در قلمرو حکومت صالحان، از جمله این نویدهای قرآن کریم است.

کتابنامه

* قرآن کریم.

۱. ابن طاووس، الملاحم و الفتن، نجف، ۱۳۸۲ق.
۲. بیهقی، احمد بن حسین، سنن الکبری، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۳. تونه ای، مجتبی، موعود نامه، انتشارات مشهور، ۱۳۸۳.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهدی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۵. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، بیروت، التاريخ العربی، ۱۴۲۲ق.
۶. رشاد، علی، فلسفه دین، پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳.
۷. طبرسی، ابوفضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
۸. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۹. قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، چ ۲، بیروت، النور، ۱۴۱۱ق.
۱۰. کاشانی، ملا فتح الله، زبدة البیان، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۳ق.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چ ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۲. مفید، محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الارشاد فی معرفه حجج العباد، انتشارات علمیة اسلامیة، بی تا.
۱۳. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر، قاهره، ۱۳۹۹ق.
۱۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق، بی تا.
۱۵. وطن دوست، رضا، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، س ۱، ش ۱.